**اخلاق رسانه؛ بايدها و نبايدهاي اخلاقي در رسانه ملي**

سال سوم، شماره اول، زمستان، 1390، صفحه 111 ـ 135

Ma'rifat-i Ākhlaqī, Vol.3. No.1, Winter 2012

چكيده

**اين پژوهش با رويكرد تحليلي و اسنادي و با هدف بررسي بايدها و نبايدهاي اخلاقي در رسانه ملي تدوين يافته است. سؤال اصلي اين است كه‌ در اسلام چه ارزش‌هاي اخلاقي و بايدهايي براي عرصه رسانه، وجود دارد؟ «اخلاقِ رسانه»‌، معرفي چارچوب نظري است كه اصحاب رسانه ملزم به رعايت آن هستند. «رسانه ديني»، رسانه‌اي هدايتگر، دين‌مدار و اخلاق محور است، به گونه‌اي كه در همه برنامه‌هاي خود، ملاك را محوريت خدا، دين، ‌آموزه‌هاي ديني، اخلاقي و معارف اهل‌بيت**(ع)**قرار مي‌‌دهد. مهم‌ترين ارزش‌هايي كه بايد رسانه ملي جمهوري اسلامي ايران بدان پايبند باشد، عبارت‌اند از: مسئوليت‌پذيري، شجاعت و شرافت حرفه‌اي، حق‌گرايي، بازنمايي واقعيات و عدم تحريف و دستكاري آن، صداقت و راست‌گويي، عينيت، اعتبار و روايي برنامه‌ها، اجتناب از غوغاسالاري رسانه‌اي، رعايت حرمت مخاطبان،‌ رعايت مصالح نظام اسلامي،‌ حفظ حريم خصوصي، حفظ رازداري و امانت‌داري، حقِ دستيابي به اطلاعات سازنده و مفيد، ترويج محاسن و مكارم اخلاقي و حرمت سانسور و خودسانسوري.**

**كليدواژه‌ها: اخلاق، رسانه، رسانه ديني، بايدها و نبايدهاي اخلاقي، رسانه ملي**

[\*](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ftnref1%22%20%5Co%20%22) استاديار مؤسسه آموزشي پژوهشي امام خميني(ر‌ه)                                                        fooladi@qabas.net

**دريافت**: 14/7/1390 ـ **پذيرش**: 26/11/1390

**پيش درآمد**

اسلام كامل‌ترين و جامع‏ترين دين الهى، روشن‌ترين و كامل‌ترين حق، حقوق، سعادت، خوشبختى و رستگارى انسان‌ها را در قرآن بيان كرده است. قرآن به تمام شئون انسان از مبدأ، معاد، خلق و ايجاد و فضايل اخلاقى ‌انسان توجه دارد. در آيات قرآن و احاديث و يا سيره رسول اكرم(ص) و ائمه اطهار(ع) به قوانين و مقررات سعادت‌بخش، تأكيد و تصريح شده و جملگي رهنمودهايي است كه مي‌توان از آنها ارزش‌هاي اخلاقي را به‌ويژه در عرصه رسانه به دست آورد.

انسان، جامعه و رسانه ديني در يك نظام اسلامي بايد در مسير ارزش‌هاي الهي، اخلاقي، نيل به كمال انساني، قرب الهي و حركت به سوى او گام نهد، زيرا فطرت بشر، فطرت خداجويانه است، از اين رو، سعادت، كمال، نجات، خير، صلاح و فلاح او در شناخت خدا، پرستش و پيمودن مسير قرب الهي است. جاي جاي قرآن، بر اقامه عدل، قسط و نفى ظلم و تبعيض تأكيد شده است. ارزش‌هاى اجتماعى، از قبيل عدالت، آزادى و مساوات و همچنين اخلاق اجتماعى، از قبيل جود، بخشش، محبت و احسان و... هر چند از جمله ارزش‌هاي اخلاقي و اجتماعي و بايسته‌هاي جامعه ديني تلقي مي‌شوند، اما اينها جملگي ارزش غايي نداشته و بالذات كمالى براى بشر شمرده نمى‌شوند، بلكه همه ارزش اينها ارزش غيري،‌ مقدمى و وسيله‌اى استبه بيان ديگر، اينها مقدمات وصول انسان به كمال، يعني فلاح و رستگاري است.

اما در نگاهي ديگر، هر چند غايت و كمال انسان، بلكه سعادت واقعى هر موجودى، در حركت به سوى خدا خلاصه مى‌شود و بس، و ارزش‌هاى اجتماعى و اخلاقى با اينكه مقدمه و وسيله وصول به ارزش اصيل و يگانه انسان، يعنى خداشناسى و خداپرستى است، اما فاقد ارزش نيستند. چنين نيست كه اگر انسان به معرفت كامل و پرستش حق رسيد، وجود و عدم راستى، درستى، عدل، كرم، احسان، خيرخواهى، جود و عفو على‌السويه باشد، زيرا اخلاق عالى انسانى نوعى خداگونه بودن است و درجه و مرتبه‌اى از خداشناسى و خداپرستى است؛ يعنى علاقه انسان به اين ارزش‌ها، نوعي علاقه فطرى و صفات خدايى است و به همين علت، دارندگان اخلاق فاضله، اعمالشان در جهان ديگر بى اثر نيست. اين گونه افراد اگر كفر و شركشان از روى عنان نباشد، به نوعى در جهان ديگر مأجورند.. در حقيقت، اين گونه اشخاص بدون آنكه خود آگاه باشند، به درجه‌اى از خداپرستى رسيده‌اند.[1](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn1%22%20%5Co%20%22)

در يك جامعه ديني، بايد همه نهادها، سازمان‌ها و همه اركان حكومتي و... همه همت، تلاش و كوشش خود را مصروف تحقق دين و ارزش‌هاي ديني و اخلاقي نمايند. در اين ميان، رسانه ملي در نظام اسلامي كه عاملي تاثيرگذار و فرهنگ‌ساز است، وظيفه‌اي مهم دارد. و آن اينكه بايد خود با عمل و پايبندي به دين و ارزش‌هاي اخلاقي و ديني، الگوي ساير رسانه‌هاي نظام اسلامي و جهان اسلام باشد. در واقع، رسانه ملي در نظام اسلامي، نه تنها بايد همه فضايل و ارزش‌هاي اخلاقي را ترويج كند، بلكه بايد به عنوان رسانه‌اي الگو، انسان‌ساز و تاثير گذار، در برابر همه رذايل اخلاقي و ارزش‌هاي غيرديني، موضع منفي بگيرد. اين مقاله به رسالت ملي در احكام اسلامي در ترويج بايدها و نبايدهاي اخلاقي مي‌پردازد.

**بايدها و نبايدهاي اخلاقي در رسانه ملي**

ارزش‌هاي اخلاقي، اعم از فضايل و رذايل و يا ‌بايدها و نبايدهاي اخلاقي را مي‌توان از منظر دين به دست آورد. از آنجا كه بررسي همه ارزش‌ها، فضايل و رذايل اخلاقي در اين پژوهش ميسور نيست، به‌‌ برخي‌ از مهم‌ترين فضايل و ارزش‌هاي اخلاقي در قالب «بايدها و نبايدها» در عرصه رسانه اشاره مي‌شود:

**1.مسئوليت‌پذيري**

رسانه ملي كه رسانه‌اي فرهنگ‌ساز و فراگير در سطح ملي و فراملي است، بايد در برابر عملكرد خويش پاسخ‌گو و مسئوليت‌پذير باشد. اين اصل، بر مفهوم امر به معروف و نهي از منكر مبتني است. در جهان‌بيني و انديشه‌ ديني، مسئوليت‌پذيري رسانه ملي، به معناي احساس مسئوليت آن در برابر جامعه و مصالح و منافع نظام اسلامي است. جامعه اسلامي فرهنگ، هنجارها و ارزش‌هاي خاص خود را دارد. به طوركلي، رسانه‌هاي ارتباط جمعي، به ويژه رسانه ملي در نظام اسلامي مسئول و حافظ ارزش‌هاي ديني است و بايد و شايسته است كه با هوشياري، اطلاعات لازم را در مورد ارزش‌هاي ديني و آنچه به اصطلاح «معروف» است و با معيارهاي جامعه اسلامي سازگار است ارائه كرده و از آن حمايت كنند و «منكرات»، يعني ناهنجاري‌ها و آنچه مغاير معيارهاي جامعه اسلامي است، مشخص ساخته و با آن مخالفت ورزند. امام علي(ع) در باب مسئوليت افراد در برابر كلام خويش مي‌فرمايند: «تا زماني كه گفتاري را بر زبان نرانده‌اي، آن كلام و گفتار در اختيار توست، ولي زماني كه آن را اظهار داشتي از آن پس ضامن عواقب و پيامدهاي آن خواهي بود.»[2](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn2%22%20%5Co%20%22)

از سوي ديگر، گر چه يكي از اصول مهم رسانه‌ها، اصل و شعار «دانستن حق مردم» است، اما در يك جامعه ديني، «حق» مردم علاوه بر دانستن، موارد ديگري را نيز در بر مي‌گيرد كه حفظ اساس نظام اسلامي، حفظ دين، تقويت اتحاد، وحدت و انسجام جامعه، هدايت‌ افراد و ... از آن جمله است. بر اين اساس، قطعاً رسانه ملي نمي‌تواند خود را بي‌مسئوليت فرض كرده، به بهانه حقِ دانستن مردم، اساس نظام اسلامي را زير سؤال برد. پس، حفظ مصالح نظام اسلامي و پذيرش مسئوليت در برابر آن و نيز در قبال عملكرد خويش، از بايدها و رسالت و وظايف رسانه ديني و يك فرد مسلمان، به ويژه اصحاب رسانه‌هاست.

علاوه بر اين، اصحاب رسانه ملي در برابر آنچه به شكل خبر، فيلم، ‌سريال، گزارش،‌ مصاحبه، مستند، ورزش و... پخش مي‌كنند، مسئول و پاسخ‌گو هستند. شايسته است از ترويج لهو و لعب و برنامه‌ها، سريال‌ها و نيز گزارش‌ها و... اخبار بي‌فايده و باطل بپرهيزند. در پخش هر برنامه‌اي كه روي آنتن مي‌رود، يك رسانه دينيِ مليِ مسئوليت‌پذير بر اساس جهان‌بيني برگرفته از دين، نبايد هر چيزي را منتشر كرده، بلكه در برابر آنچه منتشر مي‌كند، مسئول و پاسخ‌گوست.

**2. شجاعت و شرافت حرفه‌اي**

از آنجا كه رسانه ملي، امين مردم و جامعه اسلامي در كسب، حفظ و انعكاس اطلاعات و اخبار است، «بايد» در اين راه با حفظ شرافت حرفه رسانه‌اي و شجاعت، نقش خود را ايفا كند. پيامبران اين فرستادگان و حافظان پيام الهي به مردم، بزرگ‌ترين رسالت خود را «ابلاغ» و «تبليغ» پيام پروردگار به مردم دانسته‌اند. آنها در اين رسالت پيام‌رساني خويش، با شرافت و شجاعت بوده و از هيچ كوششي دريغ نمي‌كردند. حضرت نوح(ع) خطاب به امت خود مي‌فرمايد: «ابلّغكم رسالات ربي وانصح لكم واعلم من الله مالاتعلمون(اعراف:62)؛ پيام‌هاى پروردگارم را به شما مى‏رسانم و اندرزتان مى‏دهم و چيزهايى از خدا مى‏دانم كه [شما] نمى‏دانيد.»

اهميت رساندن پيام‌رساني تا جايي است كه قرآن كريم خود را «بلاغ» دانسته، مي‌فرمايد: «هذا بلاغ للناس»(ابراهيم:52). جالب اينكه قرآن كريم آنگاه كه رسالت پيامبران را «پيام‌رساني» و «ابلاغ» بيان مي‌كند، بر «شجاعت» و شهامت «پيام رسانان» تأكيد كرده، مي‌فرمايد:«الذين يبلغون رسالات‌الله و يخشونه و لايخشون احداً الاالله و كفي بالله حسيبا(احزاب: 39)؛ همان كسانى كه پيام‌هاى خدا را ابلاغ مى‏كنند و از او مى‏ترسند و از هيچ كس جز خدا بيم ندارند و خدا براى حسابرسى كفايت مى‏كند.»

از اين‌رو، در اسلام منصب والاي پيام رساني و تبليغ آموزه‌هاي ديني و اخلاقي و امان‌تداري مردم ايجاب مي‌كند كه اصحاب رسانه ملي در نظام جمهوري اسلامي در عرصه انجام رسالت حرفه‌اي خويش، شجاعت و شرافت حرفه‌اي داشته و در راه ايفاي اين رسالت الهي خويش، از هيچ كوشش و تلاشي دريغ نورزند. بديهي است عدم پايبندي به شرافت حرفه‌اي رسانه‌اي، رسانه ملي را از ديني بودن خارج مي‌سازد، زيرا لازمه ديني بودن يك رسانه، ‌پايبندي به شرافت حرفه‌اي وبايدهاي اخلاقي است.

**3. حق گرايي**

انسان به طور فطري، ‌حق طلب است و باطل را نمي‌پسندد.‌ البته كم نيستند كساني كه خواسته‌هاي نفساني خويش را حق مطلق پنداشته و حق را وقتي به زيانشان باشد، باطل و نادرست مي‌خوانند، چنان كه قرآن كريم مي‌فرمايد:‌ «أَكْثَرهُمْ لِلْحَقِّ كارِهُونَ»(مؤمنون:70). اما كسي كه در صراط مستقيم گام برمي‌دارد، ‌بيش از همه، به حق گرايش دارد. در مكتب انسان‌ساز اسلام و آموزه‌هاي نوراني اهل‌بيت(ع)، حق محوري، ‌حركت در مسير حق و تسليم حق بودن،‌ از ويژگي‌هاي انسان كامل و خردمند شمرده شده است. حمايت از حق،‌ به ويژه وقتي به زيان خود شخص باشد، ‌دشوار،‌ ولي با شكوه و عزت آفرين است و نبايد از آن روي گرداند. حضرت علي(ع) مي‌فرمايند: «حق را بگو، هر چند تلخ باشد.»[3](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn3%22%20%5Co%20%22)

خداوند، حق مطلق است و جهان را نيز براساس حق آفريده است، بنابراين، انسان نيز كه جزيي از جهان هستي است، نمي‌تواند برخلاف نظام هستي سير كند و به راه باطل درآيد كه در اين صورت،‌ زيانكار خواهد بود. ‌حضرت علي(ع) مي‌فرمايند: «هركس با حق درآويزد، حق به زمينش مي‌زند.»[4](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn4%22%20%5Co%20%22) بي‌شك، راه حق و باطل از هم جداست و نمي‌توان در يك زمان هر دو را اختيار كرد، ‌چنان كه امام علي(ع) مي‌فرمايند: «حق و باطل با هم جمع نمي‌شوند.»[5](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn5%22%20%5Co%20%22)

انسان در طول زندگي، بارها در آزمون گزينش حق و باطل قرار مي‌گيرد، از اين‌رو شايسته است كه به خاطر داشته باشد كه «الحق احق ان‌يتبع؛ حق سزاوارترين چيزي است كه بايد در پي آن رفت».[6](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn6%22%20%5Co%20%22) مؤمن سر تسليم در برابر حق فرو آورده و اين رهنمود امام صادق(ع) را سرلوحه خود قرار مي‌دهد كه فرمود: «خردمند كسي است كه در برابر حق،‌ نرم و تسليم باشد.»[7](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn7%22%20%5Co%20%22)

خداوند همواره مردم را به پيروي از حق فرمان داده است: «وحق را به باطل درنياميزيد و حقيقت را با آنكه خود مي‏دانيد كتمان نكنيد»(بقره:42). ملاك، حق‌گرايي و حق محوري است، نه داشتن برچسب يا اسم آييني خاص. قرآن كريم مي‌فرمايد: «و[اهل كتاب] گفتند يهودي يا مسيحي باشيد تا هدايت‏ يابيد، بگو نه، بلكه [بر] آيين ابراهيم حق‏گرا [هستم] و وي از مشركان نبود»(بقره:135). همين سخن را به بياني ديگر در مورد يهودي يا نصراني بودن حضرت ابراهيم بيان كرده و بر حق‌گرا بودن ايشان تأكيد قرار مي‌كند: «ابراهيم نه يهودي بود و نه نصراني، بلكه حق‌گرايي فرمانبردار بود و از مشركان نبود»(آل عمران:67). در جايي ديگر مي‌فرمايد كه هرگز در پذيرش حق از جانب خداي متعال ترديد به خود راه ندهيد: «حق از جانب پروردگار توست، پس مبادا از ترديدكنندگان باشي»(بقره:147). پيامبر گرامي اسلام(ص) در خصوص حق‌مداري‌ مي‌فرمايند: «هر كه مظلومي را همراهي كرده تا حق او را به او برساند، خداوند گام‌هايش را در روز جزا، روزي كه گام‌ها همه لرزانند، استوار خواهد گردانيد.»[8](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn8%22%20%5Co%20%22)

بايد رسانه ملي بر اساس مباني دينيِ پذيرفته شده، محوريت فعاليت خويش را حق و حق‌گرايي قرار دهد و بديهي است كه انحراف از اين مسير، رسانه ديني را به ورطه سقوط مي‌كشاند.

**4. بازنمايي واقعيات و عدم تحريف و دستكاري آن**

رسانه‌هاي ارتباط جمعي، به ويژه رسانه پرمخاطب و تاثيرگذار ملي، صرفاً وسيله سرگرمي مخاطبان خود نيستند، بلكه با نشر برنامه‌هاي متنوع خود، اطلاعات، افكار، ذهنيت و فرهنگ جامعه را شكل مي‌دهند. در چنين شرايطي اصحاب رسانه ملي نقش بسيار مهمي در چگونگي شكل‌گيري اين فرهنگ و تحولات آن دارند. اصحاب رسانه در هر جامعه‌اي نگرش خاصي را در مورد موضوع‌هاي گوناگون يك جامعه به مخاطبان خود القا مي‌كنند. استوارت هال مي‌گويد: «ما جهان را از طريق بازنمايي مي‌سازيم و بازسازي مي‌كنيم.»[9](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn9%22%20%5Co%20%22) منظور از بازنمايي،‌ بيان واقعيات اجتماعي و انعكاس واقعيت بيروني است يا ارائه تصويري واقعي از عينيت خارجي. اينكه رسانه ‌تا چه ميزان مي‌تواند واقعيت را بيان كرده و چه امكاناتي براي بيان آن دارد، به ميزان تلاش و همت و نيز صداقت اصحاب رسانه وابسته است. فرايند مداوم و مكرر بازنمايي رسانه‌ها از جهان واقع، به شدت بر ادراكات و كنش‌هاي مخاطبان تأثير مي‌گذارد، زيرا فرض بر اين است كه اين بازنمايي‌ها، عين واقعيت است.[10](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn10%22%20%5Co%20%22) معمولا رسانه‌ها موضوعاتي را عرضه مي‌كنند كه توده مردم بايد درباره آنها فكر كرده، بدانند و احساس كنند. امام خميني€ در خصوص انعكاس واقعيات مي‌فرمايند: «راديو و تلويزيون موظف‌اند اخباري را نقل كنند كه صددرصد صحت آن ثابت باشد... براي عدم اضطراب و تشويش اذهان، اخبار را از غير منابع موثق، نقل ننماييد.»[11](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn11%22%20%5Co%20%22)

از سوي ديگر، از منظر اسلام، رسانه ديني با پخش برنامه‌هاي متنوع، درپي اطلاع رساني و آگاهي بخشي به مخاطبان و جامعه اسلامي است. اقتضاي انجام چنين رسالتي، ارائه، پخش، نشر يا حفظ و نگهداري اطلاعات مربوط به مردم و امانت‌داري است، از اين‌رو، رسانه ملي بايد بدون كم و كاست، برنامه‌هايي كه منتشر مي‌كند، با هدف انجام رسالت ديني و آگاهي‌بخشي و خدمت به جامعه ديني و مردم مسلمان در جهت ارتقاي دانش و معرفت آنان باشد. ارائه برنامه‌هاي غيرمفيد يا غيراخلاقي و مضر و همچنين دستكاري يا تحريف اخبار و اطلاعات، تغيير محتوا و ماهيت آنها، به نوعي خيانت در امانت شمرده مي‌شود كه در اسلام به شدت از آن نهي شده است: «اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد به خدا و پيامبر او خيانت مكنيد و [نيز] در امانت‌هاي خود خيانت نورزيد و خود مى‏دانيد [كه نبايد خيانت كرد].» (انفال:27)

برنامه‌اي كه از رسانه ملي منتشر مي‌شود، «بايد» بيانگر واقعيات اجتماعي بوده، از تحريف و دستكاري مصون باشد. البته رسانه ملي گاهي ممكن است كه پس از بيان واقعيتي، آن را همراه با تجزيه، ‌تحليل، نقد، توضيح و تفسير منتشر كند، همچنان كه گاهي هم ممكن است اصل موضوع به دلايلي منتشر نشود. اما در صورت وجود شرايط لازم براي انتشار، «بايد» اصل واقعيت را منتشر نمايد، «نبايد» دست به تحريف و يا دست‌كاري آن بزند.

اما رسانه‌هاي سكولار در بسياري اوقات و مطالب مهمي را با شگردهاي گوناگون اهداف خاصي ناديده گرفته، منتشر نكرده يا با هدف پنهان كردن واقعيت، به بزرگ‌نمايي مسائل كوچك و ساده اقدام مي‌كنند. انكار يا حذف بخشي از يك واقعيت براي تحريف اصل آن، بيان بخشي از يك واقعيت و تركيب آن با اكاذيب ديگر براي محو آثار آن، انتخاب واژه‏هاي منفي براي بيان يك موضوع خاص، تلخيص و يا حذف برخي از فرازهاي يك خبر كه مفهوم كلي خبر را مخدوش مي‌سازد و صحنه‌سازي غيرواقعياز مواردي است كه در اخلاق اسلامي، عملي ناپسند و مذموم شمرده شده و از نبايدهاي اخلاقي است. قرآن كريم مي‌فرمايد: «و حق را به باطل درنياميزيد و حقيقت را با آنكه خود مى‏دانيد كتمان نكنيد»(بقره: 42).

**5. صداقت و راست‌گويي**

اصحاب رسانه‌ها، به ويژه رسانه ملي كه چشمِ بيدار و هوشيار جامعه در دستيابي به حقايق و واقعيت‌ها هستند، رسالتي خطير بر عهده دارند. در انديشه ديني، صداقت و راست‌گويي، از جمله بايدها و ارزش‌هاي اخلاقي است. اهميت كار رسانه ملي در اين است كه جامعه او را حلقه واسط خود با واقعيت‌هاي عيني مي‌داند، زيرا افراد جامعه اغلب بر اساس اطلاعات و اخبار دريافتي از رسانه‌ها، تحليل و برنامه‌ريزي مي‌كنند. اگر رسانه به عمد اطلاعات و اخبار غيرواقعي در اختيار جامعه قرار دهد، علاوه بر اينكه به اعتماد جامعه به خود خيانت كرده، اعتبار خود را نيز از دست خواهد داد. پيامبر اكرم(ص) به خوبي به همين نكته ظريف اشاره مي‌فرمايند: «بزرگترين خيانت آن است كه به كسي كه تو را راست‌گو فرض كرده، دروغ بگويي.»[12](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn12%22%20%5Co%20%22) قرآن كريم نيز در بسياري از آيات، انسان‌ها را به راست‌گويي و صداقت دعوت كرده است، از آن جمله است: ـ «اي ايمان آورندگان، تقواي خدا را پيشه خود سازيد و همواره با راست‌گويان باشيد»(توبه:11).

ـ «و آن كس كه راستي آورد و آن را باور نمود، آنانند كه خود پرهيزگارانند»(زمر: 33).

پيامبر اكرم (ص) در خصوص راست‌گويي مي‌فرمايند: «هركس از من حديثي را روايت كند، درحالي كه مي‌داند حديث از من نيست، او از جمله دروغ‌گويان است.»[13](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn13%22%20%5Co%20%22)

همچنين آن حضرت مي‌فرمايند: «به نماز خواندن‌ها و روزه گرفتن‌هاي متوالي مردم و نيز به زيادي حج و كارهاي خوب و شب زنده داريشان نگاه نكنيد، بلكه ببينيد آنان چقدر راست‌گو و وفادار به امانت‌هايشان هستند.»[14](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn14%22%20%5Co%20%22)

امام علي(ع) نيز مي‌فرمايند: «هرچه شنيدي براي مردم نگو و گرنه دروغ‌گو خواهي بود، و هرچه مردم به تو گفتند رد نكن و گرنه نادان خواهي بود.»[15](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn15%22%20%5Co%20%22)

يكي ديگر از آياتي كه به راستي و صداقت خبر تأكيد دارد، اين است كه خداوند به پيامبراكرم(ص) امر مي‌كند كه داستان و اخبار فرزندان آدم(ع) را به حق بازگو كند. اين شيوه براي صدا و سيماي جمهوري اسلامي ايران ضروري است: «و اتل عليهم نبا بني آدم بالحق»(مائده: 27) و اين همان شيوه‌اي است كه خود قرآن در بيان داستان و اخبار بدان عمل مي كند. خداوند در قرآن مي‌فرمايد: ما اخبار و داستان‌هاي آنان را براي شما به حق بازگو مي‌كنيم.»(كهف: 13)

با اينكه راست‌گويي و صدق خبري از جمله «بايد»‌ها و فضايل و ارزش‌هاي اخلاقي شمرده مي‌شود، اما، بسياري راه دورويي را پيشه خود ساخته، آن را دليل زيركي و زرنگي خود مي‌پندارند، غافل از اينكه با اين رويه، اعتماد ديگران را از دست داده، هيچ‌گاه نمي‌توانند در روابط اجتماعي و فردي توفيق يابند. آرامش و امنيت اجتماعي در سايه اعتماد به يكديگر به دست مي‌آيد و اگر اين اعتماد از بين برود، ناامني،‌ پريشاني‌هاي روحي، دلهره و آشفتگي در روابط اجتماعي ‌بر جامعه حاكم خواهد شد. در صورت حاكميت دروغ و فريب و فراگير شدن حيله و نيرنگ در جامعه،‌ صداقت و يك‌رنگي، رخت بسته،‌ نمي‌توان انتظار روابطي سالم و جامعه‌اي پويا را به انتظار نشست. اگر مردم داد و ستد و ‌ازدواج مي‌كنند، ضمانت مي‌كنند، قول مي‌دهند، به همياري و همكاري هم مي‌شتابند، در حق يكديگر دعا مي‌كنند و...،‌ به سبب اعتماد به يكديگر است. بنابراين، ‌در هر جا كه صداقت باشد، ‌آرامش نيز هست و هر جا كه راست‌گويي و صداقت نباشد، ‌بي‌اعتمادي بر روابط اجتماعي سايه مي‌افكند.

امام صادق(ع) در رهنمودي گهربار خويش، ‌همگان را به صداقت و يك‌رنگي فراخوانده،‌ مي‌فرمايند: «سزاوار است كه خردمند در سخن گفتن صداقت داشته باشد تا به گفته‌هايش اعتماد كنند.»[16](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn16%22%20%5Co%20%22) انسان با صداقت، ‌در محيط خانواده و اجتماع، ‌امنيت رواني براي ديگران و عزت و احترام براي خويش فراهم مي‌آورد و خردمندي خود را نشان مي‌دهد. رعايت «صداقت»، از «بايدها» و اصول مسلم ديني است.

بنابراين، در انديشه ديني و بر اساس اصول مسلم پذيرفته شده دين مبين اسلام، از يك سو، ‌صداقت و راست‌گويي براي رسانه ملي فضيلت و ارزش اخلاقي شمرده مي‌شود و بايد اين رسانه، به اين اصل اخلاقي پايبند باشد. همچنين از سوي ديگر، عدم صداقت و دروغگويي توسط اين رسانه، افزون بر آنكه به لحاظ اخلاقي نادرست است، موجب مي‌شود اعتماد مخاطبان خود را از دست داده و موجب روي‌آوري آنها به رسانه‌هاي رقيب و بيگانه شود. اين امر پيامدهاي بسيار ناگوار فرهنگي، اجتماعي و اخلاقي درپي دارد.

**6. اجتناب از مكر، خدعه و غوغاسالاري رسانه‌اي**

قدرت تاثيرگذاري رسانه ملي بر افكار عمومي، بسيار مهم و وسوسه‌انگيز است. بسياري از صاحبان قدرت رسانه‌اي، براي كسب رضايت صاحبان قدرت سياسي يا اقتصادي و نيز دستيابي به اهداف خاصل خود، از روش‌هاي معمول غيراخلاقي در رسانه‌ها، همچون فريب افكار عمومي، برجسته‌سازي اغراق‌آميز، غوغاسالاري، فضاسازي و.... بهره مي‌برند. نتيجه اين اقدامات به ظاهر زيركانه و بر خلاف اخلاق اسلامي، ديني، عرفي و حرفه‌اي، تأثيرگذاري ماندگار و جهت دهي به افكار عمومي و فضاي اجتماعي و سياسي مخاطبان است و دست كم نتيجه‌ آن، سلب اعتماد افكار عمومي از رسانه ملي است. حضرت علي(ع) اين حقيقت را اين چنين بيان مي‌دارند:

**برخي همچون رعد و برق مي‌غرند و مي‌خروشند (و دست به تبليغات ميان تهي مي‌زنند)، در حالي كه اين تحركات همواره با فشل و شكست روبه‌رو است. ولي ما تا زماني كه واقع نشويم، نمي‌غريم و تا زماني كه جاري نشويم، باران راه نمي‌اندازيم.****[17](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn17%22%20%5Co%20%22)**

همچنين آن حضرت در بيان سياست‌هاي تبليغي معاويه، مي‌فرمايند:

**به خداوند سوگند معاويه زيرك‌تر از من نيست، اما شيوه او پيمان‌شكني (و نيرنگ و خيانت) و گناهكاري است. اگر پيمان شكني ناخوشايند نبود، زيرك‌تر از من كس نبود. اما هر پيمان‌شكني به گناه برانگيزد، هرچه به گناه برانگيزد، دل را تاريك گرداند. روز رستاخيز پيمان‌شكني را درفشي است افروخته و او بدان درفش شناخته شود. به خدا مرا با فريب غافل‌گير نتوان كرد و با سخت‌گيري ناتوانم نتوانند شمرد.****[18](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn18%22%20%5Co%20%22)**

قرآن كريم در زمينه خدعه و نيرنگ مي‌فرمايند:

**و برخى از مردم مى‏گويند ما به خدا و روز بازپسين ايمان آورده‏ايم، ولى‌گروندگان [راستين] نيستند، با خدا و مؤمنان نيرنگ مى‏بازند، ولى جز بر خويشتن نيرنگ نمى‏زنند و نمى‏فهمند.» (بقره:7ـ8)؛ «و كسانى كه با حيله و مكر كارهاى بد** **مى‏كنند، عذابى سخت‏ خواهند داشت و نيرنگشان خود تباه مى‏گردد.»(فاطر:10)**

در اين اصل اخلاقي، بر اين نكته تأكيد ‌شده است كه تفاوت رسانه اسلامي با رسانه غيراسلامي در نوع جهان‌بيني مورد پذيرش آنان است. اين اعتقاد، سبب مي‌شود تا رسانه ديني از روش‌هاي غيرشرعي، غيرعرفي و غيراخلاقي براي دستيابي به اهداف خود استفاده نكند، هرچند اين اهداف مخاطب‌پسند باشد.

بنابراين، از جمله فضايل و بايدهاي اخلاقي، اجتناب از مكر و حيله و غوغاسالاري رسانه‌اي است. بايد رسانه ملي از زذائل اخلاقي در جامعه ديني، به ويژه در عرصه رسانه و از نيرنگ زدن و فريب دادن ديگران اجتناب كند. فريب دادن و ارائه اطلاعات و اخبار نادرست و غيرواقعي، معرفي غيرواقعي يك شخصيت سياسيو نيز ارائه اطلاعات نادرست از فرهنگ، قوم، سرزمين يا مردمي، همچنين استفاده از نيرنگ در ‌دوستي و ازدواج و... امري غيراخلاقي و از رذايل شمرده مي‌شود. البته در منظر قرآن بدترين نوع فريب، فريب‌كاري در برابر خداوند است؛ يعني بنده‌اي بخواهد به گمان باطل خود، با عمل رياكارانه‌اش با خداوند معامله كند. در اين صورت، خداوند با شدت با او برخورد خواهد كرد: «مكر كردند و خدا هم مكر كرد كه او بهترين مكر كنندگان است» (آل عمران:53). طبيعي است افرادي كه بخواهند با بندگان خداي متعال از درِ فريب و نيرنگ درآيند، خداوند با آنان مكر مي‌كند. اساساً فريب و نيرنگ در شأن هيچ انسان عاقل و با وجداني نيست. امام صادق(ع) مي‌فرمايد: «سه چيز است كه اگر در كسي باشد به زيان اوست: نيرنگ، پيمان‌شكني ‌و ستم. خداوند مي‌فرمايد: «فريب زشتكار جز به صاحبش آسيب نمي‌رساند، به فرجام كساني بنگر كه مكر كردند و ما آنها و پيروانشان را سرنگون كرديم.[19](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn19%22%20%5Co%20%22)

در رسانه‌هاي سكولار كه به فضايل و ارزش‌هاي اخلاقي كمتر پايبندند، غوغاسالاري، نيرنگ و فريب، چاشني اصلي حرفه رسانه‌اي است، چرا كه جلب رضايت مخاطب، ارائه برنامه‌هاي جاذب و بيان حوادث شگفت‌انگيز براي تأثيرگذاري بر مخاطب، سكه رايج در اين رسانه‌هاست، اگرچه رسيدن به اين اهداف، به بهاي از بين بردن فضايل اخلاقي، فريب، نيرنگ يا دادن نشاني نادرست به مخاطب و يا شكستن هنجارهاي اخلاقي تمام شود. از منظر ديني، كساني كه طبعي سركش و پست دارند،‌ براي به دست آوردن ثروت، مقام، رياست و... به فريب و حيله روي مي‌آورند، ولي انسان‌هاي شريف و پاك فطرت، هيچ‌گاه از اين گونه روش‌ها براي رسيدن به اهداف خود استفاده نمي‌كنند. پيامبر گرامي اسلام فرمود: «مسلمان، نه مكر مي‌كند و نه نيرنگ مي‌زند. من از جبرئيل شنيد مكه فرمود: حيله‌گر و نيرنگ‌باز در آتش هستد.»[20](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn20%22%20%5Co%20%22)

رسانه ملي كه بايد امين مردم در ارائه اطلاعات و اخبار درست به مخاطبان باشد،‌ شايسته است از اين موقعيت خود در نظام اسلامي به خوبي بهره برده، به مقابله با نيرنگ‌ها، دو رويي‌ها و فريب‌ها و شايعات رايج در جامعه بپردازد، زيرا از لوازم يك رسانه ديني، پايبندي به اصول اخلاقي و فضايل و اجتناب از رذايل اخلاقي است. بنابراين، بايد رسانه ملي در نظام اسلامي در جهان پرفريب قدرت رسانه‌اي و عصر حاكميت رقابت‌هاي ناسالم و زدوبندهاي آشكار و پنهان، در ايجاد و حفظ فضاي انساني و اخلاقي و به دور از نيرنگ‌ها و فريبكاري‌ها تلاش كند..[21](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn21%22%20%5Co%20%22) بسيار ناپسند است كه در نظام اسلامي، رسانه ملي همچون رسانه‌هاي جوامع سكولار و غيرديني، براي نيل به مقصود و اهداف خويش، از مكر، حيله، شايعه و خدعه و نيرنگ بهره گيرد.

**7. رعايت حرمت مخاطبان و تأكيد بر كرامت انسان‌ها**

در اسلام انسان‌ها با يكديگر برادرند و ملاك برتري آنان بر يكديگر، تقوا الهي است. در نظام اخلاقي اسلام مردم و جامعه مورد احترام‌اند. رعايت حرمت مخاطبان، ارزش و فضيلتي اخلاقي است و آبرو و حيثيت آنان نبايد وجه المصالحه قرار گيرد. در قرآن كريم توصيه شده است كه بايد با مردم به گونه‌اي رفتار شود كه حرمت افراد نگه داشته شود:

ـ با مردم خوش سخن بگوييد(بقره:83)؛

ـ و به بندگانم بگو با نيكوترين روش سخن گويند.(اسراء:53).

ـ اي كساني كه ايمان آورده‌ايد مبادا عده‌اي از شما عده‌اي ديگر را استهزاء نمايند، چه بسا آنان بهتر از شما باشند، و نيز مبادا كه گروهي از زنان شما گروهي ديگر را مسخره كنند، چه بسا آنان بهتر باشند، و به يكديگر زخم زبان نزنيد و يكديگر را با القاب زشت صدا نكنيد.» (حجرات:11).

ـ قرآن كريم حتي در برخورد با غيرمسلمانان نيز توصيه اكيد مي‌كند كه ادب، احترام، عدالت و احسان رعايت شود: «خداوند شما را نهي نكرده است كه به آنان كه با شما نجنگيده‌اند و شما را از ديارتان آواره نساخته‌اند، به عدالت و احسان رفتار كنيد. حتي شيوه برخورد با دشمنان و خصم نيز مطابق اخلاق قرآن برخورد مؤدبانه و غيرتوهين آميز است» (ممتحنه:8).

ـ «به كساني كه غيرخدا را مي‌خوانند، ناسزا نگوييد؛ چرا كه اگر اين چنين كنيد، آنان نيز از سردشمني وجهالت به خداوند ناسزا خواهند گفت» (ممتحنه: 8).

در منابع روايي نيز بر حفظ حرمت مؤمنان سفارش و تأكيد بسيار شده است. حضرت صادق(ع) فرمود:

**هر كس بر ضرر مؤمن داستانى بگويد و قصدش عيب او و ريختن آبرويش باشد كه
از چشم مردم بيفتد، خداوند او را از دوستى خود به دوستى شيطان براند و شيطان هم
او را نپذيرد.****[22](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn22%22%20%5Co%20%22)**

پيامبر اكرم(ص) نيز مي‌فرمايند:

**هر كس به مرد يا زن مؤمني بهتان زند يا چيزي را كه در او نيست بدو نسبت دهد، خداوند او را در روز قيامت بر تلي از آتش خواهد ايستاند تا زماني كه از آنچه او درباره آن فرد گفته بود، خارج شود.****[23](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn23%22%20%5Co%20%22)**

بر اين اساس، يكي از مهم‌ترين بايدها و ارزش‌هاي اخلاقي، اعتبار و ارزش قائل‌ شدن براي كرامت انساني و احترام‌ گذاشتن به افراد و رعايت حقوق و تكريم جايگاه آنان به عنوان يك شخصيّت انساني است. اصل «كرامت» از جمله اموري است كه اسلام به آن توجه خاصي كرده است. قرآن كريم مي‌فرمايد:‌ «و لَقدْ كَرّمْنا بَني‌آدم؛ ما فرزندان آدم را كرامت و ارزش بخشيديم»(اسراء: 70). امام علي(ع)‌ نيز در اين باره مي‌فرمايند: «هر كس براي اداي حقوق بندگان خدا به پاخاست، اين كار او را به سوي قيام براي اداي حقوق خداوند مي‌كشاند.»[24](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn24%22%20%5Co%20%22) از اين حديث، احترام به حقوق ديگران فهميده مي‌شود كه در حدّ رعايت حقوق الهي مهم شمرده شده است. همچنين آن حضرت مي‌فرمايند: «بنده غيرنباش در حالي‌كه خدا تو را آزاد آفريد.»[25](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn25%22%20%5Co%20%22) آزادي انسان و بنده غير نبودن،‌ ناظر به كرامت انسان است و ارزشي است كه خداي متعال براي انسان قائل بوده و به او برتري و آزادي بخشيده است. در اسلام، ارزش نهادن به ديگران، هم‌پايه گرامي‌داشتن و ارزش گذاشتن به مقام الهي است. پيامبر اكرم(ص) مي‌فرمايند:‌ «كسي كه برادر [مؤمن] خود را گرامي دارد، در حقيقت خدا را گرامي داشته است.»[26](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn26%22%20%5Co%20%22)

توجه به كرامت انساني و احترام به شأن و منزلت افراد از فضايل و ارزش‌هاي والاي اخلاقي است و نبايد به دليل اشتباهات، ديگران را تحقير يا سرزنش كرد. امام صادق(ع) در نكوهش سرزنش و تحقير ديگران مي‌فرمايند: «هر كس مؤمني را سرزنش كند، خدا او را در دنيا و آخرت سرزنش كند.»[27](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn27%22%20%5Co%20%22) در اسلام، به خوش‌ رفتاري و دوستي سفارش فراوان شده و از جمله خوش‌ رفاقتي، بدرقة رفيق است.

از مجموعه آموزه‌هاي اخلاقي و تربيتي در اسلام، اين اصل به دست مي‌آيد كه اصحاب رسانه‌ها، ‌به ويژه خبرنگاران در برخورد با مردم و مخاطبان بايد ادب، حرمت، كرامت و احترام مخاطبان را رعايت كرده، هيچ‌گاه زبان به كلام سبك و زشت نگشايند. شكستن حريم‌ها و حرمت مخاطبان، به ويژه در نظام اسلامي توسط رسانه ملي بسيار زشت، مذموم، بد و به دور از اخلاق اسلامي و اخلاق حرفه‌اي رسانه‌اي است.

**8. رعايت مصالح نظام اسلامي**

رسانه ملي در نظام اسلامي يكي از مهم‌ترين رسانه‌هاي ترويج فرهنگ ناب ديني است. اين رسانه، رسانه‌اي فرهنگ‌ساز است. وظيفه اصلي و اوليه آن، حفظ ارزش‌هاي ديني و اسلامي و مصالح نظام اسلامي است. در واقع، رسانه ملي در نظام اسلامي در فرايند خبررساني و اطلاع رساني، بايد همواره حافظ مصالح اساسي نظام اسلامي باشد. بسياري اوقات ممكن است پخش يك خبر يا انتشار يك مصاحبه، فيلم، سريال و گزارش، با بسياري از اصول اساس و مباني ديني و يا مصالح عاليه نظام اسلامي در تعارض باشد. در اين صورت، ‌رسانه ملي مجاز به انتشار آن نخواهد بود.

نمونه‌هاي فراواني از اين دست در تاريخ اسلام مي‌توان شاهد بود. پس از درگذشت پيامبر گرامي اسلام(ص)، عباس بن عبدالمطلب و ابوسفيان بن حرب، پيشنهاد بيعت به امام علي(ع) دادند. امام كه به خوبي بر اغراض ابوسفيان و اوضاع و شرايط سياسي آن زمان آگاه بود، از اين عمل سرباز زد. در پاسخ به آنان به خطبه‌اي اكتفا كرد كه در بخشي از آن به اين واقعيت اشاره مي‌كند كه از اخباري آگاه است كه اظهار آن به آشوب و اختلاف مي‌انجامد:

**اگر [از حقوق از دست رفته و مقام و منزلتم] بگويم، مي‌گويند: علي بر حكومت حرص ورزيده، و اگر خاموش باشم، مي‌گويند: علي از مرگ ترسيده، هرگز! پس از آن همه جهاد و پيكار در ميدان‌هاي جنگ! به خدا سوگند پسر ابوطالب به مرگ علاقمندتر از كودك به پستان مادر است. اما من چيزي مي‌دانم كه بر شما پوشيده است. اگر بگويم و بشنويد، به لرزه در مي‌آييد و مضطرب مي‌شويد و ديگر به جاي نمي‌آييد، مانند لرزيدن ريسمان در چاهي كه ته آن ناپديد است.****[28](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn28%22%20%5Co%20%22)**

همچنين در يكي از خطبه‌هاي خويش مي‌فرمايد: سينه‌‌اش مالامال از اخبار و اسراري است كه براي پيش‌گيري از انحراف آراي مردم، از نقل عمومي آن پرهيز دارد:

**به خدا اگر خواهم هريك از شما را خبر دهم كه از كجا آمده و به كجا مي‌رود و سرانجام كارهاي او چه بود، توانم، ليكن ترسم كه درباره من به غلو رويد و مرا بر رسول خدا**(ص)**تفضيل نهيد.****[29](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn29%22%20%5Co%20%22)**

در اخلاق حرفه‌اي رسانه‌اي در اسلام، صرف آگاهي از يك خبر مجوزي براي انتشار آن نيست، بلكه بايد پيش از اقدام به انتشار هرگونه برنامه‌اي از رسانه ملي، مصالح و منافع جامعه و نظام اسلامي توجه شود. امام علي(ع) با تاكيد بر اين نكته كه انتشار اخبار و اعلام مطالب بايد با در نظر داشتن مصلحت زماني و مكاني باشد، مي‌فرمايند: «اگر براي كلام خود موقعيت مناسبي نيافتي، آن را ابراز مدار.»[30](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn30%22%20%5Co%20%22) ابراز نداشتن مطلب، يعني پوشيده نگاه داشتن آن تا زماني كه مصلحت عدم انتشار باقي باشد، چراكه در چنين شرايطي بيان و ابراز آن، خيانت و خطاست، از اين‌رو، امام صادق(ع) مي‌فرمايند: «افشاي اسرار موجب سقوط به ورطه هلاكت خواهد بود.»[31](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn31%22%20%5Co%20%22)

قرآن كريم نيز مردم را از بيان هر آنچه مي‌دانند، برحذر داشته، مي‌فرمايد:

«اينان هرگاه امر (و مطلبي و خبري) اعم از آنكه به صلاح (امنيت) جامعه باشد يا موجب رعب و ترس جامعه، آن را (بلافاصله) ابراز مي‌دارند.»(نساء:83).

جالب اينكه امام علي(ع) در يكي از نامه‌هاي خويش به اين واقعيت اشاره مي‌كنند كه برخي مطالب و اخبار و اسرار حتي براي رازدارترين افراد جامعه نيز نبايد بازگو شود: «بدانيد حق شماست بر من كه چيزي را از شما نپوشانم (و خبري را از شما پنهان نكنم)، جز راز جنگ كه از پوشاندن آن ناچارم.»[32](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn32%22%20%5Co%20%22)

اصل اخلاقي ديگري كه در اين زمينه بايد رسانه ملي در آگاهي بخشي به مخاطبان به آن توجه كند و بر رعايت ظرفيت‌ها و وضعيت مخاطبان مبتني است، اصل عدم اشاعه فحشا و عدم ابراز آن است، زيرا در نظام اسلامي و جامعه ديني حفظ ارزش‌ها و هنجارهاي ديني امري بايسته است و اشاعه فحشا و ناهنجاري‌هاي اجتماعي، خلاف مصلحت نظام اسلامي است. قرآن كريم كساني را كه از گسترش فحشا در جامعه ابراز رضايت مي‌كنند، مستحق عذاب دردناك در دنيا و آخرت مي‌داند: كسانى كه دوست دارند كه زشتكارى در ميان آنان كه ايمان آورده‏اند، شيوع پيدا كند، براى آنان در دنيا و آخرت عذابى پر درد خواهد بود و خدا[ست كه] مى‏داند و شما نمى‏دانيد»(نور: 19).

بنابراين، رسانه ملي در نظام اسلامي بايد در نقل و قول و محتواي اخبار، برنامه‌ها يا اطلاعاتي كه منتشر مي‌كند، نهايت دقت را مبذول كرده تا چيزي بر خلاف مصالح جامعه ديني و ارزش‌هاي مقبول مردم مسلمان منتشر نكند، زيرا عدم رعايت مصالح نظام اسلامي در رسانه ملي، به دور از اخلاق اسلامي و نيز مخالف مباني و اصول پذيرفته شده ديني است.

**9. حق حريم خصوصي**

حق «حريم خصوصي» همواره از موضوعات مناقشه‌برانگيز در رسانه‌ها بوده است، زيرا از مصاديق مهم حقوق بشر شمرده مي‌شود. مسئله ورود رسانه‌ها به حريم خصوصي افراد نيز از مسائل بارز اخلاق رسانه‌اي است. تقابل «آزادي بيان» و اطلاع‌رساني شفاف و رعايت «حق حريم خصوصي»، همواره اصحاب رسانه‌ها و دست اندركاران حوزه وسايل نوين ارتباط جمعي را در موقعيت‌هاي دوگانه‌اي قرار داده است، از اين رو، توجه به حريم اندروني و خصوصي افراد در جامعه اسلامي، به ويژه توسط رسانه‌ها و به خصوص رسانه ملي، امري ضروري است.

در واقع،‌ حريم خصوصي رعايت حق افراد و حمايت از آنها در برابر مداخله بي‌اجازه ديگران در امور و زندگي خود و خانواده شان است؛ خواه اين عمل با ابزار مستقيم فيزيكي صورت پذيرد يا به وسيله نشر اطلاعات. حريم خصوصي ارزش كليدي و زيربنايي دارد و توجه به شأن و منزلت انساني و ساير ارزش‌ها، نظير آزادي اجتماعات و آزادي بيان است. حريم خصوصي حق اساسي بشر و خواسته منطقي فردي است.[33](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn33%22%20%5Co%20%22) حريم خصوصي شهروندان محدوده زندگي شخصي هر فرد است كه مايل نيست ديگران بدون اجازه او به آن دسترسي داشته باشند. مهم‌ترين قلمرو و محدوده حريم خصوصي عبارت است از: منازل، اماكن خصوصي، جسم افراد، اطلاعات، ارتباطات و مانند آن. حريم خصوصي شهروندان، يكي از حقوق اساسي بشر است كه از او در مقابل تعرضات ديگران به زندگي خصوصي‌اش و نيز مداخه نارواي دولت‌ها، حمايت مي‌كند.

البته در نظام حقوقي ايران نيز اصطلاح «حريم خصوصي» به كار نرفته است، ولي مفهوم آن در اصطلاحات و عناوين ديگر آمده و بر آن تأكيد شده است. اصول 22، 23، 25 و 39 قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران و مواد 580 و582 قانون مجازات اسلامي، مجازاتي درباره ورود غيرقانوني مستخدمان و مأموران قضايي و غيرقضايي دولت به منزل اشخاص، و براي توقيف، معدوم، بازرسي، ضبط، بازكردن مراسلات، استراق سمع مخابرات و مكالمات تلفني اشخاص تعيين كرده است. بنابراين، حريم خصوصي «حق افراد براي حمايت شدن در مقابل وارد شدن بدون اجازه به امور و زندگي افراد و خانواده‌هايشان، با ابزار مستقيم فيزيكي يا به وسيله‌ نشر اطلاعات است.»[34](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn34%22%20%5Co%20%22)

برخي شاخص‌ها و مصاديق حق حريم خصوصي عبارت‌اند از:

1. ممنوعيت ورود به زندگي شخصي، خانوادگي يا منزل؛

2. ممنوعيت ورود به آزادي جسمي، عقلي و فرهنگي؛

3. ممنوعيت شنود و استراق سمع؛

4. ممنوعيت افشاي اسرار زندگي شخصي؛

5. ممنوعيت سوء استفاده اسم، شخصيت و شكل افراد؛

6. ممنوعيت تجسس، پاييدن و مراقبت؛

7. ممنوعيت افشاي نامه‌ها و مراسلات.[35](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn35%22%20%5Co%20%22)

نمونه‌هاي زير را مي‌توان از جمله موارد حمايت از حريم خصوصي افراد در منزل و مكان خصوصي در قوانين بين‌المللي و داخلي دانست:

1. هيچ كس نبايد در زندگي خصوصي و خانواده و اقامتگاه يا مكاتبه‌ها، مورد مداخله‌هاي خودسرانه‌ «بدون مجوز» يا خلاف قانون قرارگيرد. همچنين نبايد به شرافت و حيثيت افراد، تعرض غيرقانوني شود.

2. هر كس حق دارد كه در برابر اين‌گونه مداخله‌ها يا تعرض‌ها به وسيله قانون حمايت شود.[36](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn36%22%20%5Co%20%22)

3. مسكن در هر حالي حرمت دارد و نبايد بدون اجازه ساكنان آن يا به صورت نامشروع وارد آن شد و نبايد آن را خراب يا مصادره كرد و يا ساكنان آن را آواره كرد.[37](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn37%22%20%5Co%20%22)

4. حيثيت، جان و مال، حقوق، مسكن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردي كه قانون اجازه دهد.[38](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn38%22%20%5Co%20%22)

5.تفتيش و بازرسي منازل، اماكن و اشيا در مواردي به عمل مي‌آيد كه حسب دلايل، ظن قوي به كشف متهم يا اسباب و آلات و دلايل جرم در آن محل وجود داشته باشد.[39](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn39%22%20%5Co%20%22)

اما در اسلام چند نكته درباره حريم خصوصي قابل طرح است:

1. ممنوعيت استراق سمع: استراق سمع در اسلام ممنوع است، چنان كه پيامبر اكرم(ص) فرموده‌اند: هر كس كه به مكالمات ديگران در حالي كه راضي نيستند، گوش دهد، روز قيامت در گوش وي سرب گداخته ريخته مي‌شود.

2. ممنوعيت تفتيش و تجسس در زندگي مردم: تجسس عبارت است از: دنبال كردن چيزي كه از انسان كتمان شده است يا به معناي در جست‌وجوي خبر از ديگران و جاسوس ديگران بودن است. قرآن كريم مي‌فرمايد: «اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد... جاسوسى مكنيد»(حجرات:12). پيامبر اكرم (ص) نيز فرموده است: «از گمان بد بپرهيزيد، چون گمان، سخن را در گرداب دروغ مي‌افكند، از كنجكاوي و پاييدن يكديگر بپرهيزيد، از حال كسي تفتيش مكنيد....»[40](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn40%22%20%5Co%20%22)همچنين آن حضرت فرموده است:

**اي گروهي كه به زبان اسلام آورده‌ايد و ايمان در قلب شما جاي نگرفته! از مسلمانان بدگويي مكنيد و در جستجوي عيب‌هاي آنان مباشيد؛ چرا كه هر كس در پي كاستي‌هاي آنان بر آيد، خداوند در جستجوي عيوب او خواهد بود و آنكه خدا با او چنين كند، رسوايش خواهد ساخت هر چند درون خانه اش باشد.****[41](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn41%22%20%5Co%20%22)**

نيز آن حضرت فرموده است: «من مأمور نگشته‌ام دل‌هاي مردم را بشكافم و از افكار دروني آنها با خبر شوم.»[42](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn42%22%20%5Co%20%22) علاوه بر اين، آن حضرت بر عيب پوشي تأكيد كرده و فرموده‌اند: «هر كس عيب ديگري را بپوشاند، همانند كسي است كه زنده به گوري را نجات داده باشد.»[43](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn43%22%20%5Co%20%22)

3. ممنوعيت ورود به منازل مردم مگر با اجازه: در آيات قرآن كريم و سنت اسلامي، ورود به منازل اشخاص به استيناس و استيذان منوط شده است. استيناس، يعني هنگام ورود به منزل ديگران بايد خود را معرفي كرد و آشنايي لازم به صاحب منزل داد تا وي در صورت تمايل، در را بگشايد. استيذان، يعني كسب رضايت صاحب منزل پيش از ورود به آن. امروزه استيناس و استيذان دو شرط بسيار مهم در تفتيش و بازرسي از منازل اشخاص است. قرآن كريم مي‌فرمايد: «لاتدخلوا بيوتاً غيربيوتِكم حتي تَستَأنِسوا و تُسلّموا علي اَهلِها؛ داخل خانه‌اي غير از خانه‌تان نشويد، مگر آشنايي بدهيد و بر اهل خانه سلام كنيد.»( نور: 27)

از آنچه گذشت مي‌توان گفت كه حفظ حريم خصوصي، از بايدهاي اخلاقي است و نقض آن جز در موارد خاص كه قانون تعيين مي‌كند، شايسته نيست و از رذايل و نبايدهاي اخلاقي شمرده مي‌شود. رسانه ملي بايد حريم خصوصي مخاطبان را رعايت كند.

**10. حفظ اسرار، رازداري و امانت داري**

رسانه ملي در نظام اسلامي، در فرايند انجام رسالت خويش، يعني خبررساني، اطلاع‌رساني، آگاهي بخشي و دانش‌افزايي، بايد با امانت‌داري، رازداري و حفظ اسرار مخاطبان، اعم از افراد حقيقي و حقوقي، همواره در حفظ مصالح اساسي نظام اسلامي و حرمت مخاطبان تلاش كند. امام علي(ع) با تأكيد بر اين نكته كه انتشار اخبار و اعلام مطالب بايد با در نظر داشتن مصلحت زماني و مكاني باشد، مي‌فرمايند: «اگر براي خود موقعيت مناسبي نيافتي آن را ابراز مدار.»[44](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn44%22%20%5Co%20%22) امام صادق (ع)نيز افشاي سرّ را سقوط به ورطه هلاكت و منجر به پيامدها و عواقب خطرناك براي جامعه مي‌دانند.»[45](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn45%22%20%5Co%20%22) قرآن در سرزنش عدم رازداري يكي از همسران پيامبر(ص) مي‌فرمايند:

**و چون پيامبر با يكى از همسرانش سخنى نهانى گفت و همين كه وى آن را [به زن ديگر]** **گزارش داد و خدا [پيامبر] را بر آن مطلع گردانيد [پيامبر] بخشى ازآن را اظهاركرد** **و از بخشى [ديگر] اعراض نمود....(تحريم: 3)**

قرآن در جايي ديگر در باب ضرورت حفظ اسرار بر اين نكته تأكيد دارد كه بيان «راز» در صورتي ممكن است كه حكمتي داشته باشد: «در بسيارى از رازگويي‌هاى ايشان خيرى نيست، مگر كسى كه [بدين وسيله] به صدقه يا كار پسنديده يا سازشى ميان مردم فرمان دهد...».(نساء:114).

رازداري و حفظ اسرار بندگان در دنيا، و بيان اسرار آنان در آخرت، از جمله اوصاف خداي متعال است: «و شما را به آنچه مى‏كرديد خبر خواهد داد كه او به راز دل‌ها داناست»(زمر:7).

امام علي(ع) در يكي از نامه‌هاي خود به اين واقعيت اشاره مي‌كند كه برخي مطالب، اخبار و اسرار حتي براي رازدارترين افراد نيز نبايد بازگو شود: «بدانيد حق شماست بر من كه چيزي را از شما نپوشانم (وخبري را از شما پنهان نكنم)، جز راز جنگ كه از پوشاندن آن ناچارم.»[46](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn46%22%20%5Co%20%22)

امام رضا(ع) رازداري را سنت خداوند شمرده، رازدار ‌نبودن را علامت بي‌ايماني مي‌داند:

**شخص، مؤمن نيست مگر اينكه در او سه سنت نيك باشد؛ يكى را از خدا فراگيرد و يكى را از پيامبر و سومى را از امام، اما، سنت پسنديده‌اي را كه از خدا مى‏آموزد اين است كه سرنگهدار باشد.****[47](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn47%22%20%5Co%20%22)**

با توجه به اين حديث شريف، مؤمن بايد در كتمان سرّ خود و مردم به صفت خداوند تمسك جويد و همچون خداوند تعالي كه به تمام عالم علم داشته، اما كتمان مي‌كند، مؤمن نيز بايد آن‌قدر در خود سعه صدر را تمرين كند كه بر آشكارسازي سرّ خود و ديگران اقدام ننموده و امانت‌داري را در اين زمينه رعايت كند.

علاوه بر رازداري و عدم ‌انتشار اسرار افراد حقيقي و حقوقي، رعايت امانت در نقل آنچه از رسانه ملي منتشر مي‌شود، امري پسنديده و اخلاقي و جزء فضايل اخلاقي شمرده مي‌شود. به عبارت ديگر، رسانه ملي بايد امانت‌دار و امين مردم باشد، زيرا بر اساس تعاليم ديني، انساني كه امانت‌دار نباشد، خيانتكار و فريبكار است. در منابع روايي، ثمره و نتيجه دين، امانت‌داري معرفي شده است: «ثمرةُ الدين الامانه»؛ ميوه دين، امانت است.»[48](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn48%22%20%5Co%20%22) همچنين خيانت و فريب از زشت‌ترين صفت‌ها شمرده شده است: ‌خيانت، فريب است.[49](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn49%22%20%5Co%20%22) و فرموده‌اند: زشت‌ترين صفت‌ها خيانت است.[50](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn50%22%20%5Co%20%22) در منابع ديني به اين نكته اشاره شده است كه خيانت و برادري با يكديگر قابل جمع نيستند: «لاتجتمع الخيانة و الاخوة»؛ ‌خيانت و برادري با هم جمع نشود.»[51](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn51%22%20%5Co%20%22) اين خيانت مي‌تواند در گفتار يا كردار و رفتار فرد باشد، چرا كه دروغ‌گويي، تبليغات سوء و نادرست اصحاب رسانه‌ها و عدم امانت‌داري در انتقال و پخش اخبار مي‌تواند نوعي خيانت شمرده شود.

بنابراين، خيانت در كار خبررساني، به خصوص نوع كارهايي كه با عموم مردم سرو كار دارد، پيامدهاي ناگواري در پي دارد. امام علي(ع) در اين‌باره مي‌فرمايند: «خيانت كسي كه مردم كارشان را به او وامي‌گذارند و از او نظر‌خواهي مي‌كنند، از شنيع‌ترين كارها و بزرگ‌ترين شرها و پديد آورندة عذاب آتش‌سوزان ست.»[52](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn52%22%20%5Co%20%22)

بنابراين،‌ اصحاب رسانه‌هاي ارتباط جمعي، به ويژه رسانه ملي به دليل نوع كار خود كه ارتباط با عموم مردم است، بايد در نقل اخبار و اطلاعات صحيح، امين مردم بوده و اخبار و اطلاعات محرمانه را منتشر نكنند، علاوه بر اين، اطلاعات قابل انتشار را بايد به عنوان امانت،‌ عيناً و بدون دخل و تصرف يا سانسور منتشر كنند. در واقع، يكي از شرايط امانتداري اين است كه خبرنگاران، هر خبر يا گزارشي را به صرف شنيدن منتشر نكنند، زيرا وظيفه خبررساني حكم مي‌كند كه پس از تحقيق و تفحص و حصول اطمينان و يقين يا ظن قوي، اخبار را منتشر كنند.‌ قرآن بر ضرورت تحقيق و تفحص در نقل اخبار اين‌چنين تأكيد مي‌كند:

**اي كساني كه ايمان آورده‌ايد در مورد خبري كه فاسقي براي شما آورده تحقيق كنيد، مبادا كه بر اساس اعتماد به آن خبر به دسته‌اي از مردم آسيب وارد آوريد و سپس از اين كرده خود پشيمان شويد.(حجرات:6)**

بنابراين، يكي از فضايل و بايدهاي اخلاقي در عرصه رسانه، حفظ اسرار، رازداري و امانت‌داري در حفظ اطلاعات يا اخبار است و بر اين نكته تأكيد دارد كه آنچه در
باب اطلاع‌رساني و انتقال اخبار يا اطلاعات به عنوان سَر و راز شمرده مي‌شود و غيرقابل انتشار است، بايد حفظ شود و از انتشار آن جلوگيري گردد و همواره به عنوان راز، نگهداري شود.

**11. ترويج محاسن و مكارم اخلاقي**

ترويج محاسن و مكارم اخلاقي، يكي ديگر از ارزش‌هاي اخلاقي و بايدها در رسانه ملي است. بايدها و فضايل اخلاقي را به دو دسته تقسيم مي‌كنند:[53](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn53%22%20%5Co%20%22) محاسن اخلاق، مكارم اخلاق. محاسن اخلاقي، آن دسته از بايدهاي اخلاقي است كه مربوط به روابط اجتماعي و جلب منافع مادي و چگونگي معاشرت با ديگران است و موجب بهبود زندگي مادي و رفاه اجتماعي مي‏شود. از سوي ديگر، ‌پايبندي به اخلاق، كه معيار انسانيت انسان است و از طبع بالا، تعالي روحي و معنوي انسان حكايت دارد، به بزرگ‏منشي او مربوط مي‏شود و در زمره مكارم اخلاق قرار مي‏گيرد. به عبارت ديگر، مكارم اخلاق، مرحله تكامل‏يافته محاسن اخلاقي است. درآموزه‌هاي ديني، از اخلاق حسن و نيكو سخن بسيار به ميان آمده است و ما را بر ملكات حميده و سجاياي اخلاقي پسنديده تشويق و ترغيب نموده و از صفات ناپسند باز مي‏دارد. پيامبراكرم(ص) مي‏فرمايند: «اخلاق نيكو موجب سعادت فرد و بداخلاقي موجب شقاوت فرد مي‌شود.»[54](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn54%22%20%5Co%20%22) حضرت علي(ع) نيز به همين دو موضوع اشاره فرموده و تفاوت ميان آن دو را بيان مي‏كنند: «اخلاق خود را در آغاز با صفت‌هاي حميده و محاسن اخلاق، رام كرده، آنگاه آن را به سوي مكارم اخلاق و سجاياي عالي و ملكه‌هاي نفساني انساني سوق دهيد.»[55](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_edn55%22%20%5Co%20%22)

ارزش‌ها و هنجارهاي ديني در جامعه ديني و نظام اسلامي، بر گرفته از معارف ناب قرآني و اهل بيت(ع) است. رسانه ديني در نظام اسلامي بايد مدافع معارف اهل بيت(ع)، آموزه‌هاي اخلاقي، محاسن و مكارم اخلاقي و ارزش‌هاي ديني باشد. رسانه ملي كه رسانه‌اي عمومي و در ارتباط مستقيم با مردم است، همچون دست‏اندركاران ساير رسانه‏هاي جمعي، مسئولان نظام سياسي، متوليان نهادهاي مدني كه جملگي واسط ميان حكومت و مردم هستند، بايد عملاً به آموزه‌هاي ناب ديني، اخلاقي و معارف ناب اهل‌بيت(ع) پايبند بوده و مروج ارزش‌هاي اخلاقي و ديني در نظام اسلامي باشد. طبيعي است كه ترويج رذايل اخلاقي و عدم تعهد و پايبندي به فضايل و مكارم اخلاقي از سوي رسانه ملي، از نبايدهاي اخلاقي است.

**نتيجه گيري**

در جامعه ديني بايد همت و تلاش همه نهادها و متوليان فرهنگ و اركان حكومتي در جهت تحقق دين و ارزش‌هاي ديني و اخلاقي باشد. رسانه ملي در نظام اسلامي نيز كه رسانه‌اي تأثيرگذار و فرهنگ‌ساز است، وظيفه‌اي دوچندان در اين زمينه دارد و نه تنها بايد همه فضايل و ارزش‌هاي اخلاقي را ترويج كند، بلكه به عنوان رسانه‌اي الگوساز و انسان‌ساز بايد در برابر رذايل اخلاقي و ارزش‌هاي غيرديني موضع منفي بگيرد. اين پژوهش، بايدها و نبايدهاي اخلاقي در عرصه رسانه را استخراج كرده است. بر اساس يافته‌هاي اين پژوهش، مهم‌ترين بايدها و نبايدهاي اخلاقي در عرصه رسانه عبارت‌ند از: مسئوليت‌پذيري، حفظ شرافت حرفه‌اي، حق‌گرايي، بازنمايي واقعيات، صداقت و راست‌گويي،‌ اجتناب از مكر و حيله و خدعه،‌ رعايت حرمت مخاطبان، رعايت مصالح نظام اسلامي، حق حريم خصوصي و ترويج محاسن و مكارم اخلاقي.

**پي‌نوشت‌ها:**

[1](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref1%22%20%5Co%20%22). مرتضي مطهري، *علل گرايش به ماديگري*، ص ۳۱

[2](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref2%22%20%5Co%20%22). عبدالحميد آيتي، ***نهج البلاغه***، حديث 373

[3](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref3%22%20%5Co%20%22). عبدالواحد آمدي، ***غررالحکم و دررالکلم***، ‌ص 70

3. همان.

[4](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref4%22%20%5Co%20%22). همان، ص 69

[5](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref5%22%20%5Co%20%22). همان

[6](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref6%22%20%5Co%20%22) همان

[7](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref7%22%20%5Co%20%22). محمدباقر مجلسي، ***بحار الانوار***، ج1،‌ ص130

[8](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref8%22%20%5Co%20%22). علي‌بن حسام الدين متقي، ***کنز العمال في سنن الاقوال و الافعال***، خ 5604

[9](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref9%22%20%5Co%20%22). سيدمحمد مهدي‌زاده، ***رسانه‌ها و بازنمايي***، ص 14

[10](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref10%22%20%5Co%20%22). همو، «بررسي محتوايي و حرفه‌اي مطالب هفت خبرگزاري غيردولتي»، ***فصل‌نامة رسانه***، ‌ش 63، ص 126

[11](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref11%22%20%5Co%20%22). امام خميني(ره)، ***صحيفه نور***، ج 13،‌ ص 228، تاريخ1/7/ 1359

[12](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref12%22%20%5Co%20%22). ورام‌بن ابي فراس اشتري، ***مجموعه ورام (تنبيه الخواطر و نزهة النواظر***)،ص 92

[13](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref13%22%20%5Co%20%22). محمدباقر مجلسي، ***بحارالانوا***ر، ج 71، ص١٥٨

[14](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref14%22%20%5Co%20%22). همان، ص 9

[15](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref15%22%20%5Co%20%22). همان، ص٢٦٠

[16](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref16%22%20%5Co%20%22). همان، ج 78، ص 247

[17](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref17%22%20%5Co%20%22). ***نهج البلاغه***، کلمات قصار 9

[18](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref18%22%20%5Co%20%22). همان، خطبه 191

[19](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref19%22%20%5Co%20%22).‌بن شعبه الحراني، ***تحف العقول***، ‌ص 317

[20](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref20%22%20%5Co%20%22). مجتبي موسوي، ***زمزمه‌هاي زندگي***،‌ ص 91

[21](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref21%22%20%5Co%20%22). محمد سعيدي‌مهر، «حق‌مداري در عرصه مطبوعات از ديدگاه امام علي(ع)»، ***رويکرد اخلاقي در رسانه‌ها***،
ص 65

[22](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref22%22%20%5Co%20%22). محمد ابن يعقوب كلينى‏، ***اصول كافى***، ترجمه حاج سيد جواد مصطفوى‏، ج 4، ص 62

[23](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref23%22%20%5Co%20%22). محمدباقر مجلسي، ***بحارالانوار***، ج 75، ص 194

[24](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref24%22%20%5Co%20%22). عبدالواحد آمدي، ***غررالحکم و دررالکلم***، ج1، ص284

[25](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref25%22%20%5Co%20%22). ***نهج البلاغه***، نامة 31، ص161

[26](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref26%22%20%5Co%20%22). محمدي ري شهري، ***ميزان‌الحكمه***، ص 5158

[27](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref27%22%20%5Co%20%22). محمد ابن يعقوب كلينى‏، ***اصول كافى***، ص 59

[28](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref28%22%20%5Co%20%22). ***نهج البلااغه***، خطبه 5

[29](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref29%22%20%5Co%20%22). همان، خطبه 174

[30](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref30%22%20%5Co%20%22). عبدالواحد آمدي، ***غررالحکم و دررالکلم***، 6/286

[31](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref31%22%20%5Co%20%22). محمدباقر مجلسي، ***بحارالانوار***، ج، 78، ص229

[32](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref32%22%20%5Co%20%22). ***نهج البلاغه***، نامه 50

[33](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref33%22%20%5Co%20%22). همان، ص 201

[34](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref34%22%20%5Co%20%22). مهدخت بروجردي، «حريم خصوصي در جامعه اطلاعاتي»، ***ابرار اقتصادي***، ش 10

[35](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref35%22%20%5Co%20%22). عبداللطيف الهميم، ***احترام الحياه الخاصه***، ص16

[36](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref36%22%20%5Co%20%22). ماده 11 ميثاق بين‌المللي حقوق مدني و سياسي

[37](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref37%22%20%5Co%20%22). ماده 18 اعلاميه اسلامي حقوق بشر در بيانيه‌ي قاهره

[38](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref38%22%20%5Co%20%22). اصل بيست و دوم قانون اساسي جمهوري اسلامي ايران

[39](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref39%22%20%5Co%20%22). ماده 96 قانون آيين دادرسي كيفري

[40](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref40%22%20%5Co%20%22). حر عاملي، ***وسائل الشيعه***، ج 27، ص 59؛ حسين ابن محمدتقي نوري، ***مستدرك الوسائل و مستبط المسائل***، ج 9، ص 147

[41](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref41%22%20%5Co%20%22). محمد علي حائري قمي، ***جامع الاحاديث و نوادر الاثر***، ج 16، ص 315

[42](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref42%22%20%5Co%20%22). همان

[43](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref43%22%20%5Co%20%22). ابي‌داود سجستاني***، سنن ابي‌داود***، ج 2، ص 454

[44](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref44%22%20%5Co%20%22). عبدالواحد آمدي، ***غررالحکم و دررالکلم***، 6/286

[45](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref45%22%20%5Co%20%22). محمدباقر مجلسي، ***بحارالانوار***، ج 78، ص 229

.46 ***نهج البلاغه***، نامه 50

[47](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref47%22%20%5Co%20%22).محمد باقر مجلسي،***بحارالأنوار***، ج 75، ص 291.

[48](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref48%22%20%5Co%20%22). عبدالواحد آمدي، ***غررالحکم و دررالکلم***، ج1، ص 418

[49](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref49%22%20%5Co%20%22). همان، ص 348

[50](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref50%22%20%5Co%20%22). همان

[51](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref51%22%20%5Co%20%22). همان، ص 349

[52](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref52%22%20%5Co%20%22). همان، ص 348

[53](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref53%22%20%5Co%20%22). محمدرضا احمدي، «محاسن و مكارم اخلاقي از منظر بهداشت رواني»، ***معرفت 64***، ص 46

[54](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref54%22%20%5Co%20%22). محدث نوري، ***مستدرك الوسايل***، ج 2، ص83

[55](http://marefateakhlagi.nashriyat.ir/node/96%22%20%5Cl%20%22_ednref55%22%20%5Co%20%22). همان، ص122

**منابع**

***نهج البلاغه***، ترجمه سيدجعفر شهيدي، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب، ١٣٦٩

***نهج البلاغه***، ترجمه محمد دشتى‏، قم،‌ مشهور، 1379

***نهج البلاغه***، عبدالحميد آيتي، تهران، بنياد نهج البلاغه، 1376

احمدي، محمدرضا، «محاسن و مكارم اخلاقي از منظر بهداشت رواني»، ***معرفت،*** سال دوازهم، شماره اول، بهار 1382، پاپي64

اشتري،‌بن ابي فراس، ***مجموعه (تنبيه الخواطر و نزهة النواظر***)، ج1،‌ تهران، دارالکتب الاسلاميه، بي تا، ج1

آشنا، حسام الدين، ***روزنامه جام جم***، شماره 2116

آمدي، عبدالواحد، ***غررالحکم و دررالکلم***، ترجمه محمد علي انصاري، تهران، 1335

بروجردي، مهدخت، «حريم خصوصي در جامعه اطلاعاتي»، ***ابرار اقتصادي***، ش10، يکشنبه 10 اسفند 1382ش.

***بنادر البحار***،ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار، نرم افزار گنجينه روايات نور، مركز كامپيوتر علوم اسلامي، ص 271

جمعي از نويسندگان «اخلاق خبررساني‌قرآني»، ***رويكرد اخلاقي در رسانه‌ها***،‌ مجموعه مقالات،‌ج اول،‌ تهران،‌ مركز مطالعات رسانه‌ها، 1375

حائري قمي، محمد علي، ***جامع الاحاديث و نوادر الاثر***، ج 16، تهران، كتابفروشي اسلاميه، 1369

حر عاملي، محمدبن حسن،‌ ***تفصيل وسائل الشيعه إلى تحصيل مسائل الشريعه***، قم، آل‌البيت‏، 1409 ق باب 19

الحراني، ابن شعبه، ***تحف العقول***، ترجمه بهزاد جعفرى‏، تهران، اسلاميه‏، 1380

خمينى(ره)،روح الله(امام)، ***صحيفه نور***،22 جلدي، ج 8،تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني(ره)، 1372

سجستاني، ابي‌داود، ***سنن ابي‌داود***، بيروت، دارالفکر، 1410ق.، ج 2

صدوق، محمد‌بن علي، ***الخصال***، تحقيق علي اکبر غفاري، مؤسسه النشر الاسلامي، قم1403ق

فريد اديب هاشمي، «اعتبار منبع»، ***رسانه 4،*** ص 37

كليني، محمد‌بن يعقوب، ***اصول الكافي***، ج2، بيروت، انتشارات دارالاضواء، 1413

مجلسي، محمد باقر، ***بحار الانوار***، تهران، دارالکتب الاسلاميه،1362، ج 71، 75،‌78

محمدي ري شهري، محمد***، ميزان‌الحكمة***،‌ قم،‌ دار الحديث،‌1388

مهدي‌زاده، سيدمحمد، ***رسانه‌ها و بازنمايي***، تهران، دفتر مطالعات و توسعه‌ رسانه‌ها، 1387

موسوي، مجتبي، ***زمزمه‌هاي زندگي***، تهران، ميثم تمار، 1377

مطهري، مرتضي، ***علل گرايش به ماديگري*،** قم، صدرا، ۱۳۷۲

نوري، ميرزا حسين، ***‌مستدرک الوسائل***،ج 2، قم، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، 1409ق.

الهميم، عبداللطيف، ***احترام الحياه الخاصه***، مؤسسه الوراق للنشر و التوزيع، 2004ق

هندي، متقي، ***کنز العمال في سنن الاقوال و الافعال***، بيروت، دارالكتب الاسلاميه، ١٤٢٤

http://hamshahrionline.ir/news-37123.aspx

Http://Mohsenesmaeili.ir/nsite